فهرست

[اصول/ حجیت قول خبره 2](#_Toc150787446)

[پیشگفتار 2](#_Toc150787447)

[وجه اشتراک خبر حسی و حدسی 2](#_Toc150787448)

[وجه تفاوت خبر حسی و حدسی 2](#_Toc150787449)

[نکته مکمل 3](#_Toc150787450)

[شرایط اعتماد به خبر و نظر کارشناس 4](#_Toc150787451)

## موضوع: اصول/ حجیت قول خبره/مسئله ششم/مناقشات

## پیشگفتار

در بحث بسیار مهم حجیت قول خبره در ادامه ادله به دلیل سیره عقلا رسیدیم و در سیره عقلا مهم‌ترین مناقشه و اشکال آن بود که مرحوم آخوند و بسیاری از بزرگان متوجه آن کرده بودند که این سیره در جایی است و قدر متیقن آن جایی است که اطمینان‌آور باشد و اطمینان شخصی همراه آن باشد و اگر اطمینان شخصی نباشد؛ سیره نداریم یا در آن تردید داریم و ارزشی ندارد.

در نقطه مقابل این بزرگان جمع زیادی از بزرگان هستند که قائل هستند که سیره دارای اطلاق است و مصب آن اوسع از اطمینان شخصی است.

# وجه اشتراک خبر حسی و حدسی

در مقام مواجهه با این مناقشه، چند پاسخ داده شد اما آنچه مهم‌تر بود در وجه سوم بود.

در وجه سوم چیزی به ذهن می‌آمد بعد دیدیم در کلام شهید صدر هم به نحو خوبی مطرح شده است و تقریر شد و آن عبارت بود از اینکه ما در خبر عن حسٍ و خبر عن حدسٍ یک وجه مشترک می‌بینیم که آن ظرفیت کاشفیت آن‌ها از واقع در جمله است بالاخره اینها یک کاشف ناقصی هستند، یک کشف ناقصی در خبر مخبر و در نظر خبیر هر دو هست. بالاخره کشفٌ مایی در هر دو اینها هست.

غیر از این وجه اشتراک، تمایزی هم در این‌ها وجود دارد، آن تمایز در این بود که در خبر حسی، احتمال خطا کمتر بود و وجود اطمینان احتمال بیشتری داشت و به احتمال بسیار بالا اصل‌ عدم خطأ هست و آن کمک می‌دهد که ما کشف ناقص را تام بدانیم. عقلا با آن برای تسهیل در زندگی معامله کاشف تام بکنند. ولو آنکه خبر مخبر، کشفش ناقص است و مثل علم و یا حتی اطمینان نیست، اما برای تسهیل مسائل اجتماعی، با او معامله کاشف تام می‌کنند و مستند آن اصل‌ عدم خطأ است، اصل‌ عدم خطا، در دیدن و گزارش کردن است. اصل‌ عدم خطا در دو مرحله است هم در اینکه آن را دید و ضبط کرد و هم در اینکه منتقل کرد، اصل‌ عدم خطاست و کشف تام می‌شود.

# وجه تفاوت خبر حسی و حدسی

اما در قول خبیر این را نداریم و همین منشأ آن شده است که آن متفاوت از خبر بدانند برای اینکه در اخبار حدسیه و نظرات کارشناسانه، نظر و اعمال رأی دخالت دارد و اعمال رأی و نظر در مظان مسئله است و به این سادگی نمی‌شود کسی نمی‌تواند بگوید من اطمینان دارم او درست عمل کرده است، شاید اگر من جای او بودم یک جور دیگر مقدمات را می‌چیدم و مسیر را طی می‌کردم. از این جهت است که اصل‌ عدم خطایی که با بشود گفت کشف ناقص او تام شد، وجود ندارد.

اما از آن طرف یک وجه اجتماعی دیگر هست که آن این کشف ناقص را تام می‌کند یا لااقل معامله کشف تام با آن می‌شود به نحو که در اصل محرز و امثال این وجود دارد.

# نکته مکمل

آن نکته مکمل در اینجا این است که نظام روابط اجتماعی بر تخصص‌ها و مهارت‌ها و تنوع انسان در طبقات مختلف است و نیاز رفع مشکلات و حل مشکلات به این است که بگوییم هر کسی کاری می‌کند و هر کسی را بهر کاری ساختند، کاری به او سپرده‌اند و دیگران که در آن محدوده نیازی دارند به او مراجعه می‌کنند آن وقت هر کسی سر جای خودش نشسته است و با مراجعه به خُبَرا نیازهایش مرتفع می‌شود.

اگر نباشد یک نوعی به‌هم‌ریختگی نظام است و بی‌سروسامان شدن جامعه است، معلوم است که همه نمی‌توانند همه مهارت‌ها را کسب بکنند و باید توزیع و طبقه‌بندی بشود و درحالی‌که همه به آن نیاز دارند. می‌گویند شما که جاهل هستی به آن کسی که عالم مراجعه می‌کنی.

اصولاً در اعتماد به خبر مخبر و اعتماد به خبر خبیر و کارشناس، در هر دو آن تسهیل نظام اجتماعی وجود دارد، یعنی این نظام جامعه اگر بخواهد یک نظام اجتماعی باشد و تعاملات، شکل روان داشته باشد و هر کسی راحت بتواند زندگی بکند، مستلزم این است که در معاملات و تبادلات از قطع و اطمینان بیرون بیاییم اگر بخواهیم به قطع و اطمینان اکتفا بکنیم این زندگی روی پا نمی‌ایستد. مثلاً بگوییم از امروز همه هشت میلیارد بشر در ترتیب آثار، به آنچه نیاز دارند در این تعاملات باید به قطع برسند، این نمی‌شود و جامعه با این اداره نمی‌شود.

لذا تسهیل زندگی و شکل گرفتن نظامات اجتماعی و ضرورت‌های موجود در روابط اجتماعی اقتضا می‌کند که ما از قله قطع و حتی اطمینان پایین‌تر بیاییم. این وجه مشترک در همه است.

منتهی در اخبار حسیه، آنجا یک مقدار کار راحت‌تر است برای تتمیم کشف چون اصل‌ عدم خطا است، امور واضحی است که هر کسی می‌تواند ببیند و راحت می‌شود گفت این آقا که دید اشتباه نکرد حالا هم که نقل می‌کند اشتباه نمی‌کند خیلی بعید است که این اشتباه کرده است که می‌گوید باران می‌آید. آنجا تتمیم کشف با اصل‌ عدم خطا راحت انجام می‌شود.

در اخبار حدسیه و نظرات کارشناسی، مقدماتی که در ذهن طرف و عمل طرف دخالت می‌کند تا به این گزاره برسد متعدد پیچیده است و لذا نمی‌شود راحت گفت اصل‌ عدم خطا، ولی در عین حال آن ضرورتی، تسهیلی که آنجا وجود داشت اینجا هست، در آن طرف تتمیم کشف با تسهیل و اصل‌ عدم خطا انجام می‌شد، اینجا اصل‌ عدم خطا نداریم ولی آن نکته تسهیل اینجا هست.

نظامات اجتماعی اقتضا می‌کند که کارها تقسیم بشود و غیرمتخصص به متخصص مراجعه بکند و این اگر در هر دو می‌گوییم (در خبر هم دیده آید برخی می‌گویند باید وثوق باشد، بعضی دوستان الان هم می‌گویند) ما در هر دو می‌گوییم اگر نظام اجتماعی را ببینید و کلان زندگی بشر را ببینید و نیازهای او را ببینید نه در خبر حسی و نه در خبر حدسی نمی‌توانید بر علم و اطمینان شخصی اکتفا بکنید و به آن بسنده بکنید، باید از آن بالاتر بیایید.

اینکه با این تقریر می‌شود گفت آیا این واقعاً اماره هست کامل، یا فرش الامارات است؟ یا اینکه شکل اصل محرزی دارد؟ جای سؤال وجود دارد.

ولی می‌خواهیم بگوییم مبنای اینکه عقلا می‌گویند اعتماد بر نظر کارشناس کن این تسهیل مسئله است ضمن اینکه کشفٌ­مایی هم در این مسئله هست و ظنی علی الاصول تولید می‌کند اما مبنای زندگی باید همین تقسیم کارها و اعتماد بر متخصص باشد.

به نظر می‌آید واقعاً حصر سیره در حجیت خبر واحد و حصر سیره در ترتیب آثار بر خبر کارشناس و خبیر به جای اینکه شخص او اطمینان پیدا می‌کند با آن وجدان و تحلیل وجدانی ما از سیره عقلا سازگار نیست. باید از آن بالاتر آمد و تا حدی هم بالا آمد که راحت بگوییم نظامات اجتماعی را شکل می‌دهد و این به این است که حتی اطمینان نوعی هم اینجا کافی است؟ آن هم نیست، باید از آن هم بالاتر آمد و از این جهت است که به نظر می‌آید اکتفا به حالتی که خبر یا قول خبیر تولید اطمینان شخصی یا نوعی می‌کند با این فلسفه و نظامات اجتماعی سازگار نیست. هر کسی به تحلیل خود مراجعه بکند می‌بیند که یک چیز اوسع از آن وجود دارد.

اگر نکته تسهیل و ضرورت اجتماعی نباشد می‌گوییم به یکی بسنده نکن و از چند نفر بپرس تا به اطمینان برسی. ضرورت تسهیل مکمل می‌شود.

اما مع ذلک تا اینجا با یک بیان که دو سه بار تکرار کرده‌ایم و دیروز و امروز به آن پرداخته‌ایم گفتیم نمی‌شود این‌جور نظر کارشناس را بیاورید، در حدی که اطمینان نوعی و شخصی در آن باشد، ضرورت اجتماع و روابط اجتماعی اقتضا می‌کند که هم بر خبر مخبران عن حسٍ اعتماد بکنید هم به اقوال خبرا و کارشناسان اعتماد بکنید این ضرورت جامعه است و نمی‌توانید به اطمینان اینها را محصور بکنید.

مع ذلک به نظر می‌آید که از باب اینکه نهایتاً این دلیل لبی است و در یک چارچوب‌هایی بیاید قرار بگیرد، این مسئله حدود شش قید دارد؛ که این قیود که باید در اعتماد به قول خبیر وجود داشته باشد و شروط حجیت آن می‌شود در سیره عقلا، باید اینها وجود داشته باشد.

این چند نکته‌ای که باید باشد یک مقدار این شرایط را اگر دقت بکنید آن استیحاش، اینکه نمی‌شود همین‌جوری گفت هر کارشناسی هر چیزی گفت بشود اعتماد بکنیم و اعتبار دارد، آن را از بین می‌برد و به یک نقطه تعادلی می‌رسد

# شرایط اعتماد به خبر و نظر کارشناس

شرایط اعتماد به خبر و نظر کارشناس با تحلیلی که در ارتکازات عقلایی و سیره داریم.

1- یکی اینکه ظن به خلاف نباشد – نه اطمینان به خلاف، اطمینان به خلاف که حتماً نباید باشد- اطمینان نباشد و ظن به خلاف آن که او نظر می‌دهد نباشد یا به عبارت دیگر در مظان تهمه و مثار شبهه نباشد.

یک وقتی است که این نظری که می‌دهد با یک چیزهایی آمیخته شده است و همراه با اطلاعاتی است که شخص مراجع دارد که او را مشکوک به این نظر می‌کند و کارشناس برای او یک ظن به خلاف و شبهه قوی در او وجود دارد. چند بار اشتباه کرده است یا به این آزمایشگاه رفته است دیده است که چیزی اینجا وجود دارد، ضوابط حسن ظاهر دارد و ثقه است، درس هم خوانده است و گواهی درس دارد، درس پزشکی یا مهندسی را خوانده است اما قرائنی می‌بینید که احساس می‌کند و در او یک تردید جدی به وجود می‌آورد این حتماً یا لااقل تردید هست که اینجا هم سیره باشد. در خبر واحد این را بعید نمی‌دانیم. ظن به خلاف بعید نیست که شرط باشد حتی در خبر واحد.

۲- تمامیت اعتبار قول کارشناس ممکن است مشروط است به اینکه مراجع نتواند به سادگی این را ارزیابی بکند، ممکن است این شرط هم باشد، از نظرات کارشناسی است که شخص مراجع با سهولت و راحتی می‌تواند بفهمد این درست عمل کرده است یا خیر؟ این در حدسیاتی که سهل است و قریب النیل است و سهل التقییم است، راحت می‌شود آن را ارزیابی کرد، ممکن است بگوییم آنجا که کارشناس این را گفت، نمی‌شود اعتماد کرد، اگر بگوییم نظر کارشناس در این آزمایش‌ها و امثال این، نظر کارشناسی است و به حدی نرسیده است که حس باشد، در عین حال می‌تواند آنجا برود و دقتی بکند. مثلاً گفته است باید پا قطع بشود و او هم می‌توانسته است با دقتی بفهمد که این حرف و نظر درست است یا خیر؟

این هم شرط دوم است که می‌خواهیم بگوییم از آن سخت‌گیری مرحوم آخوند و مرحوم نائینی که عبور کردیم، این قدر هم یک دستی با مسئله مواجه نیستیم، بالاخره شرایطی هم وجود دارد. عدم السهولة تقییم نظر الخبیر این ممکن است بگوییم شرط دوم است که به راحتی نتواند، اما راه آسانی وجود دارد و می‌تواند ارزیابی بکند. این همان است که می‌گفتیم ما در شورای نگهبان هم این کار را می‌کنیم. در قانون ماده، لایحه، برنامه، می‌آید، با مشورت‌هایی که می‌کند می‌فهمد که موضوع چیز پیچیده‌ای نیست و خود ما با دقتی می‌توانیم بفهمیم که این نظراتی که می‌گویند درست است یا درست نیست، اینجا خیلی ترتیب نمی‌دهیم.

الان در آزمایش‌ها، بعضی جاها یا حسی است یا قریب به حس است و لذا می‌شود به آن اعتماد کرد. اگر قریب به حس باشد، حدسیاتی است که ملحق به حدس است به نظر کارشناسی است ولی در آن طیف، در درجات پیچیده نیست، در درجات راحت‌تر است.

سؤال: ظرف مبنای حجیت این اضطرار است

جواب: آن اضطرار شخصی که نیست آن مبنای اضطرار کلان اجتماعی است که ما را به این سمت برده است. می‌گفتیم آن یک اضطرار اجتماعی است برای سهولت تعاملات و تنظیمات کلان است که ما را به این جا رسانده است و الا موردی نمی‌گوییم. هیچ اضطراری ندارد.

منتهی شرط دوم این است که تقییم نظر خبیر به یک شکل آسان و راحت میسر نباشد و الا اگر میسر باشد معلوم نیست که آن دلیل سیره و دلیل لبی اینجا شامل بشود.

در جایی که ظن به خلاف باشد و آنجایی که به سهولت می‌تواند نظر کارشناسی را ارزیابی بکند، اینها اگر باشد دلیل لبی اینها را نمی‌گیرد.

۳- آن نکته‌ای است که در بحث اجتهاد و تقلید مفصل گفته‌اند، مخصوصاً در این یکی دو قرن اخیر، به این مسئله توجه شده است و آن این است که حجیت رأی مجتهد مشروط به این است که علم به مخالفت رأیش با رأی اعلم نداشته باشد.

علم تفصیلی یا اجمالی به مخالفت رأی این مجتهد با رأی اعلم نداشته باشد، تقلید مجتهد جایز است (حتی می‌شود نظر غیر اعلم را عمل کرد) مگر اینکه علم اجمالی یا تفصیلی داشته باشد (بعضی حتی احتمال هم می‌دهند) که این نظر این با نظر اعلم مخالف است.

اگر کسی احتمال را دخالت ندهد و فقط علم را بگوید، آن وقت یک مقدار بازتر می‌شود.

بعید نیست این قید سوم را در ارتکاز عقلا و سیره عقلا قائل بشویم و بگوییم ارتکاز و سیره این است که می‌شود مراجعه کرد مگر اینکه بداند یک پزشک بهتری این را قبول ندارد. به نحو اجمالی یا تفصیلی این را بداند. این هم شرطی است که ظاهراً اثری از آن نیست.

حال احتمال مخالفت را بدهد، آیا آن هم دخالت دارد یا ندارد و می‌تواند مانع از حجیت این بشود، تردیدی در آن هست و در اجتهاد و تقلید بحث شده است. این شرط سوم است که چیز جدیدی نیست و در اجتهاد و تقلید هم گفته شد و شاید در همه کارشناس بشود این را گفت.

و صلی الله علی محمد و آل محمد